

**Comparative Studies
in Jurisprudence,
Law, and Politics**

The United Nations' Approach to Combating Cyber Terrorism

1. Jamal Yousefi: PhD Student, Department of Law, Aras International Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran
2. Hassan Movassaghi*: Associate Professor, Department of Law, Aras International Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. Email: movasaghi@iaut.ac.ir (Corresponding Author)
3. Naser Rahbar Farsh Pira: Assistant Professor, Department of Law, Aras International Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

ABSTRACT

The threats arising from terrorist activities are no longer confined to specific territories and have transformed into a global menace. Terrorism targets values that underpin the United Nations Charter, including respect for human rights, the rule of law, laws and regulations protecting civilians during war, tolerance among nations and states, and the peaceful resolution of disputes. Consequently, the United Nations has drafted numerous conventions addressing cyber terrorism. Several resolutions have also been issued by the Security Council, urging states to combat terrorism. This study, conducted using a descriptive-analytical method and library resources, aims to identify the United Nations' approach to combating cyber terrorism. The findings indicate that the United Nations' resolutions impose uniform obligations on all 191 member states, obligations that exceed the provisions of anti-terrorism conventions and protocols, which only a limited number of states are parties to. These obligations are binding for all states worldwide, regardless of their membership in the aforementioned conventions.

Keywords: *United Nations, terrorism, cyber terrorism, Resolution 1373.*

How to cite: Yousefi, J., Movassaghi, H., & Rahbar Farsh Pira, N. (2024). The United Nations' Approach to Combating Cyber Terrorism. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 6(4), 67-80.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 28 September 2024
Revise Date: 17 November 2024
Accept Date: 29 November 2024
Publish Date: 10 December 2024



پژوهش‌های تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

رویه سازمان ملل متحد در مقابله با تروریسم سایبری

۱. جمال یوسفی: دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد بین الملل ارس، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
۲. حسن موثقی*: دانشیار گروه حقوق، واحد بین الملل ارس، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. پست الکترونیک: movasaghi@iaut.ac.ir (نویسنده مسئول)
۳. ناصر رهبرفرش پیرا: استادیار گروه حقوق، واحد بین الملل ارس، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

چکیده

تهدیدات ناشی از اقدامات تروریستی، دیگر در چارچوب سرزمین معین نمی‌گنجد و به یک تهدید جهانی مبدل گشته است. تروریسم ارزش‌هایی را هدف قرار می‌دهد که اساس منشور ملل متحد، همچون: احترام به حقوق بشر، حاکمیت قانون، قوانین و مقررات حاکم به حمایت از غیر نظامیان در جنگ، صبر و مدارا میان ملت‌ها و کشورها، و حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات می‌باشند. لذا سازمان ملل متحد تاکنون کنوانسیون‌های زیادی را در خصوص مقابله با تروریسم سایبری تدوین نموده است. چندین قطعنامه هم از سوی شورای امنیت صادر شده است که دولت‌ها را به امر مقابله با تروریسم دعوت نموده است. پژوهش حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است، در صدد شناسایی رویه سازمان ملل متحد در مقابله با تروریسم سایبری می‌باشد. یافته‌های تحقیقی حاکی از آن است که قطعنامه‌های سازمان ملل متحد تعهدات یکسانی را برای همه ۱۹۱ کشور عضو ملل متحد ایجاد می‌نماید، تعهداتی فراتر از چیزی که در کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های ضد تروریستی وجود دارد و صرفاً تعداد کمی از دولت‌ها عضو آن‌ها می‌باشند، یعنی تعهداتی که نسبت به کل دولت‌های جهان جدا از اینکه عضو کنوانسیون‌های فوق باشند یا نه الزام‌آور می‌باشد.

واژگان کلیدی: سازمان ملل متحد، تروریسم، تروریسم سایبری، قطعنامه ۱۳۷۳.

نحوه استناددهی: یوسفی، جمال، موثقی، حسن. و رهبرفرش پیرا، ناصر. (۱۴۰۳). رویه سازمان ملل متحد در مقابله با تروریسم سایبری. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۶(۴)، ۶۷-۸۰.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۷ مهر ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۷ آبان ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۹ آذر ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۲۰ آذر ۱۴۰۳



هر چند که امر تروریسم موضوع جدیدی نیست، لیکن تهدیداتی که اکنون از جانب این پدیده شوم متوجه جوامع گوناگون است، حساسیت خاصی نسبت به دیگر امور حقوقی ایجاد کرده است. تهدیدات ناشی از عملیات تروریستی، دیگر در حیطه سرزمین معین نمی‌گنجد و به یک تهدید جهانی تبدیل شده است. تروریسم ارزش‌هایی را هدف قرار می‌دهد که اساس منشور ملل متحد، از قبیل: احترام به حقوق بشر، حاکمیت قانون، قوانین و مقررات ناظر به حمایت از غیر نظامیان در جنگ و... اختلافات می‌باشند. سازمان ملل متحد تاکنون کنوانسیون‌های زیادی را در خصوص مبارزه با تروریسم تدوین نموده است. چندین قطعنامه هم از سوی شورای امنیت صادر گشته که کشورها را به امر مبارزه با تروریسم فراخوانده است. تروریست‌ها با سوءاستفاده از گسترش مسافرت‌های هوایی، انقلاب ارتباطات، اقتصاد جهانی خصوصی و جهان بدون مرزی که در آن زندگی می‌کنیم، شیوه‌های جدیدی را برای ایجاد نا امنی و رسیدن به خواسته‌های خود مورد استفاده قرار می‌دهند.

تروریسم به حدی تهدید کننده صلح و امنیت بین‌المللی است به طوری که برابر جنگ فرض شده و پاسخ‌های شایسته خود را می‌طلبد. از سوی دیگر با ورود فضای مجازی به میدان حیات بشری، محیط جدیدی برای خودنمایی و حمله‌های تروریستی برای جنایتکاران ضد بشری فراهم آمده که ساختار اطلاعاتی و مهم کشورها و ملت‌ها را مخاطب حملات خود قرار داده و در پی تخریب همه بخش‌های اقتصادی، حمل و نقل، آموزش عالی، مخابرات، شرکت‌های خصوصی و سرقت اموال و دارائی‌ها و جابجایی سپرده‌های بانکی به حساب‌های خود در بانک‌های در مناطق دور افتاده جهان هستند. فضای مجازی محیطی است دارای ظرفیت و فرصت برای دستیابی به توسعه پایدار و نیز تهدیداتی که در بعضی موارد منبع تهدید کاملاً ناشناخته می‌ماند و قابل تعقیب، محاکمه و مجازات نیست به همین دلیل است که حملات تروریست‌ها مخصوصاً تروریسم سایبری را می‌توان از نظر اهداف تخریبی آن، یک جنگ محسوب کرد (Ghasemi & Bagherzadeh, 2015).

از جمله کنوانسیون‌هایی که در مبارزه با تروریسم تصویب شده است می‌توان به کنوانسیون مبارزه با تامین مالی تروریسم (CFT) اشاره کرد. کنوانسیون بین‌المللی برای شناسایی و جلوگیری از تامین مالی اقدامات و فعالیت‌های تروریستی محسوب می‌شود. نقش اصلی تعیین استانداردهایی برای مقابله با پولشویی و تامین مالی تروریسم است که سلامت و شفافیت سیستم مالی کشورها را ارتقا می‌دهد. با اجرای این استانداردها منبع و مقصد پول‌ها در نظام مالی مشخص می‌شود.

همچنین کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی، در تاریخ ۲۱ دسامبر سال ۲۰۰۱ در شهر پالرمو در ایتالیا به تصویب رسید و در تاریخ ۲۹ سپتامبر سال ۲۰۰۳، برای کشورهای عضو سازمان ملل متحد لازم‌الاجرا شد و تاکنون ۱۸۰ کشور آن را پذیرفته‌اند. این کنوانسیون همان‌طور که از نامش پیداست، گامی در جهت مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی و تشخیص کشورهای عضو برای مصادیق آن برای جدی بودن مشکلات ناشی از جرائم فراملی است.

کنوانسیون جرایم سایبری معروف «کنوانسیون بوداپست»، نخستین معاهده بین‌المللی است که به جرایم رایانه‌ای و اینترنتی می‌پردازد و می‌کوشد قوانین ملی را سازگار کرده، روش‌های تحقیقات را ارتقا دهد و همکاری بین کشورها را بهبود بخشد. شورای امنیت در قطعنامه ۱۳۷۳ از همه کشورها خواست که مانع تامین مالی اعمال تروریستی شده و آن را متوقف کنند همین‌طور مانع از عضوگیری گروه‌های تروریستی شوند و با تبادل اطلاعات به هشدار اولیه به سایر کشورها اقدام نمایند (Rezaeinejad, 2008).

همین طور سازمان ملل متحد از سال ۱۹۹۴ با هدف افزایش آگاهی‌های جمعی راجع به افزایش امنیت کامپیوترها هفت شاخصه اصلی را برای جلوگیری از نفوذ سایبری برشمرده که شامل: امنیت اداری و سازمانی، امنیت کارمندان، امنیت فیزیکی، امنیت مخبرات الکترونیکی، امنیت سخت افزاری و نرم افزاری و امنیت عملیاتی و برنامه‌ریزی می‌گردد.

در قطعنامه و اعلامیه‌های متعدد شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد و همچنین در کنوانسیون‌های بین‌المللی مقابله با تروریسم همواره به عنوان «تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی» و مخالف با اهداف و اصول منشور ملل متحد فرض شده است. ورود شورای امنیت سازمان ملل متحد به بحث مقابله با تروریسم بین‌الملل، به مسئولیت‌های این عنصر سیاسی ملل متحد در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی باز می‌گردد. براساس ماده ۳۹ منشور، «شورای امنیت وجود هر نوع تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز را احراز و توصیه‌هایی خواهد نمود یا تصمیم می‌گیرد که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی به چه اعمالی بر اساس مواد ۴۱ و ۴۲ باید اقدام نماید» لذا در صورت احراز هر یک از این سه شرایط، شورای امنیت مجاز است که از سازوکارهای اجرایی مسالمت آمیز (ماده ۴۱) یا اقدامات قهرآمیز (ماده ۴۲)، جهت حفظ یا اعاده صلح یا توقف تجاوز استفاده نماید. شورای امنیت در تلاش خود به هدف از بین بردن تروریسم در قطعنامه ۱۲۶۹ تروریسم را جدا از اهدافی که تروریست‌ها دنبال می‌کنند، محکوم می‌کند. براساس بند ۵ این قطعنامه، تروریسم تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد، برای اجرای این وظیفه، اقدامات ضروری را بر اساس فصل هفتم منشور جهت محو تروریسم اتخاذ خواهد کرد.

۱- تروریسم سایبری

تروریسم که در فارسی از آن به مثابه وحشت افکنی یا هراس افکنی اسم برده شده است، به هر نوع واکنش یا تهدید برای رعب یا آسیب رساندن به افراد، حکومت، یا گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی اطلاق می‌شود. «برایان جنکینز»^۱ کارشناس تروریسم در سال ۱۹۷۴ تروریسم را یک تئاتر معرفی کرد؛ زیرا همانند آن‌ها از پیش طراحی می‌شود و برای جلب نظر خیل عظیم مخاطبان ارتکاب می‌یابد، بنابراین با توجه به اهمیت و گستردگی و خسارات سنگین و بعضاً جبران ناپذیر آن باید بطور صحیح مورد شناسایی قرار بگیرد.

تروریسم سایبری از همگرایی تروریسم و فضای سایبریه وجود آمده است. به علاوه، برای اینکه یک تهاجم، تروریسم سایبری تلقی شود، باید منجر به اعمال خشونت علیه اشخاص یا اموال گردد یا حداقل آن قدر خسارت وارد آورد که منجر به وحشت گردد. تهاجماتی که باعث فوت، آسیب جسمی، انفجار، تصادم هواپیماها، آلودگی آب یا لطمه شدید علیه زیر ساخت‌های حیاتی می‌تواند اقدامات تروریستی سایبری تلقی شود (Askari & Vakil, 2021; Mirbad et al., 2019).

تروریسم سایبری برگرفته از دو اصطلاح پیشین یعنی تروریسم و سایبر است، و از این رو در طول این دو قرار می‌گیرد. همه رفتارهایی که در ذیل تروریسم بررسی می‌شوند، در تروریسم سایبری جای نمی‌گیرند و اینکه هر چیزی که بر ضد فضای سایبر باشد در اندرون تروریسم سایبری (در معنای عام) بررسی نمی‌گردد. این عبارت با ترکیب واژه‌های فضای سایبر و تروریسم در دهه ۱۹۸۰ توسط «بری کلین»^۲ ارشد موسسه حفاظت اطلاعات در کالیفرنیا، ابداع و آن را این گونه تعریف کرد: «سوءاستفاده عمدی از یک سیستم، شبکه یا مولفه اطلاعاتی رایانه‌ای برای تحقق هدفی که موید یا تسهیل کننده مبارزه یا اقدام تروریستی است.» (Farmani, 2011).

¹ Brayen chengins

² Bery cline

۲- تروریسم سایبری و نقض و تهدید نسل‌های حقوق بشر

از اواخر دهه ۱۹۸۰، اینترنت ابزای پویا برای ارتباطات بوده است و توسعه فناوری‌های پیشرفته، شبکه‌ای را با دسترسی جهانی ایجاد کرده که موانع نسبتاً ناچیزی برای ورود به آن وجود دارد. فناوری اینترنت این قابلیت را به افراد می‌دهد تا با تعداد نامحدود مخاطبین در سراسر مرزها به صورت ناشناخته، سریع و راحت در ارتباط باشند. یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌ها و مزایای فناوری اینترنت، قابلیت منحصر به فرد آن برای انتشار اطلاعات و فکار می‌باشد که به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر شناخته شده است (UNODC, 2012).

۲-۱- نسل اول: حقوق مدنی و سیاسی

نسل اول حقوق بشر که نسل «حقوق-آزادی‌ها» نامیده می‌شود، به انقلاب فرانسه باز می‌گردد و مبنای فلسفی آن در اصالت فرد می‌باشد. دولت در مورد این حقوق که بدان حق‌های منفی نیز گفته می‌شود، هم باید به وظیفه «احترام» عمل نماید و هم با پاسبانی از این حقوق در برابر تعدی افراد، وظیفه «حمایت» را به انجام برساند. انعکاس این ایده در نظام حقوق بشر را می‌توان در مواد ۲ تا ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی دید. (میربید و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۳۰). از مهمترین حقوق این نسل می‌توان به حقوق و آزادی‌هایی چون حق حیات، حق بر امنیت فردی، منع شکنجه، آزادی بیان و رفت و آمد، آزادی اندیشه و عقیده و نیز آزادی‌های مذهبی را بر شمرد.

۲-۲- نسل دوم حقوق بشر

در این نسل حقوق بشر تقاضای اقدام و مداخله از دولت در تامین حداقل شرایط مناسب که برای حفظ کرامت ذاتی انسان ضروری است. از این رو این حق‌ها را حقوق مثبت نیز خوانده‌اند.

حق بر آموزش: حق بهره‌مندی از آموزش به شکل مبسوطی در اسناد حقوق بشری مورد تاکید قرار گرفته است. بند ۱ ماده ۱۳ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (کشورهای طرف این میثاق هر کس را به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند. کشورهای مزبور موافقت دارند که هدف آموزش و پرورش باید نمو کامل شخصیت انسانی و احساس حیثیت آن و تقویت احترام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد (UNODC, 2012).

این قابلیت برای سازمان تروریستی که شبکه سلسله مراتبی افقی دارند، دارای جذابیت بیشتری است. آن‌ها از این طریق می‌توانند بدون تماس رسمی، عملیات خود را انجام دهند. فلسفه آن‌ها حمایت آنلاین از طرفداران است که بدون حضور فیزیکی بتوانند از آموزش‌های لازم بهره‌مند شوند (Charvat, 2009).

حق بر بهداشت: حق بر سلامت از موضوعات نوظهور در حقوق نیست، اما با پیشرفت علم و گشودن عرضه‌های جدید این مسئله پیوسته وارد چالش‌های جدیدی می‌شود. کشورهای عضو سازمان بهداشت جهانی، مقررات بین‌المللی بهداشتی را در سال ۲۰۰۵ به منظور تقویت توانایی‌های ملی و بین‌المللی برای شناسایی و مدیریت حوادث ویرایش کردند (Study Group on Cybersecurity Terrorism, 2014).

۲-۳- نسل سوم حقوق بشر

ایده نسل سوم حقوق بشر را باید پاسخی به کاستی‌ها و ناکارآمدی‌های دو نسل پیشین دانست که به ویژه پس از جنگ سرد مورد توجه قرار گرفت. بعدها دبیر کل وقت سازمان ملل در گزارش خود به مجموع عمومی به تاریخ ۶ ژوئن ۱۹۹۴ تحت عنوان «دستور کار برای توسعه»،

پیامدهای منفی ناشی از جهانی شدن، مانند نابودی محیط زیست، فقر فزاینده، رشد جمعیت، تروریسم و قاچاق مواد مخدر را مانعی بر سر راه توسعه دانسته و راهکارهایی ارائه می‌دهد (Askari & Vakil, 2021).

حق بر توسعه: اعلامیه حق بر توسعه ۱۹۸۶، پس از آن اعلامیه وین و برنامه اقدام و تاکید بر حق بر توسعه در قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل از جمله تلاش‌های صورت گرفته در راستای به رسمیت شناختن این حق به شمار می‌رود. براساس بند یک ماده ۱ اعلامیه حق بر توسعه، این حق یک حق مسلم بشری است که به موجب آن هر فرد استحقاق مشارکت و سهم بودن و برخوردارگی از توسعه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را دارد، به نحوی که در آن کلیه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی کاملاً تحقق یابد (Rezaeinejad, 2008).

حق بر صلح: حق بر صلح را می‌توان، توسعه ماده سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر دانست که حق همه افراد را به حیات، آزادی و امنیت فردی به رسمیت می‌شناسد. بیانیه کنفرانس تهران در سال ۱۹۶۸ نخستین سندی است که برخوردارگی از صلح را از منظر حقوق بشر مورد اشاره قرار داده است (Harrison Dinniss, 2015).

حق بر محیط زیست سالم: این حق نخستین بار در اعلامیه ۱۹۷۲ استکهلم، وصف حقوق بشری یافت. در اصل اول این اعلامیه، حق بهره‌مندی همگان از محیط زیست سالم را بیان می‌کند و این حق را مکمل دو نسل دیگر حقوق بشر، یعنی حقوق آزادی و برابری قلمداد نموده است.

۲-۴- نسل چهارم حقوق بشر

حق ارتباطات به عنوان نسل چهارم حقوق بشر برای نخستین بار توسط ژان فلیپ داری فرانسوی در سال ۱۹۵۴ مطرح شد. وی می‌گوید: «مفهوم تحول‌پای آزادی‌ها و مسئولیت‌ها، در واقع در کانون اصلی و مربوط به حق ارتباط، قرار دارد». تروریست‌ها در فضای سایبر با استفاده از انواع بدافزارها، این حق را که امروزه به عنوان یک از ارکان ارتباطات اینترنتی است، مورد هجمه قرار می‌دهند.

۳- اقدامات سازمان ملل متحد در مبارزه با حملات تروریستی سایبری و امنیت فضای سایبری

امروزه حملات گروه‌های تروریستی برای خراب کردن زیرساخت‌های مهم ملی مانند انرژی، سیستم‌های حمل و نقل، آب، تأسیسات دولتی، مراقبت‌های بهداشتی یا ارتباطات، باعث نگرانی بیشتر کشورهای عضو سازمان ملل شده است. گروه‌های تروریستی، توانایی‌های سایبری تهاجمی را برای ارتکاب، تحریک، استخدام، یا برنامه ریزی اقدامات تروریستی به طرق؛ حملات سایبری به زیرساخت‌های مهم، پخش محتوای تروریستی به صورت آنلاین، ارتباطات تروریستی آنلاین، تأمین مالی تروریسم دیجیتال انجام می‌دهند، پس ایجاد امنیت نیازمند همکاری عمل شرکت‌های ارائه‌کننده خدمات اینترنتی می‌باشد؛ پس کنترل مؤثر دولت بر شرکت‌های ارائه‌کننده خدمات اینترنتی که در حمله سایبری مشارکت دارند بسیار حیاتی می‌باشد، چرا که منجر به مسئولیت دولت‌ها خواهد گردید.

۳-۱- اقدامات مجمع عمومی سازمان ملل متحد

قطعنامه ۲۸۸/۶۰ در ۸ سپتامبر ۲۰۰۶ با یک ضمیمه به عنوان استراتژی جهانی مبارزه با تروریسم سازمان ملل، با اجماع به تصویب مجمع عمومی رسید (<https://undocs.org/en/A/60/pv.99>) این قطعنامه مهمترین قطعنامه مجمع عمومی در زمینه مبارزه با تروریسم می‌باشد.

مجمع عمومی در قطعنامه ۵۸/۳۲ از دبیر کل درخواست کرد تا گروهی متشکل از گروه کارشناسان دولتی در توسعه اطلاعات و ارتباطات از راه دور در بستر امنیت بین‌المللی سازمان ملل متحدرا تحت نظر کمیته نخست شورای امنیت برای پیشبرد رفتار مسئولانه دولت‌ها در فضای

سایبری در چارچوب امنیت بین‌المللی تشکیل دهد. براساس گزارش ۲۴ ژوئن ۲۰۱۳ این گروه، امنیت سایبری می‌بایست دوشادوش احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین‌المللی توسعه یابد و دولت‌ها می‌بایست بر میزان همکاری‌ها علیه جرایم سایبری و تروریستی در بستر فناوری اطلاعات بیفزایند.

گزارش دوم این گروه در ژوئیه ۲۰۱۵ منتشر شد. در بند «ج» و «د» هنجار ۱۳ این گزارش عنوان شد که دولت‌ها می‌بایست در زمینه ممانعت از اعمال خرابکارانه همکاری نموده و نباید آگاهانه اجازه استفاده از سرزمین خود برای اعمال خلاف بین‌المللی با استفاده از فناوری اطلاعات را بدهند؛ تبادل اطلاعات و معاضدت در جهت تعقیب تروریست‌ها و کاربرد مجرمانه فناوری اطلاعات می‌بایست در میان دولت‌ها گسترش یابد. به دنبال افزایش تنش‌ها میان قدرت‌های سایبری و شکست گروه کارشناسان دولتی در دور پیشین، مجمع عمومی در سال ۲۰۱۸ قطعنامه ۷۳/۲۷ را با حمایت روسیه به تصویب رساند.

در ۲۷ دسامبر ۲۰۱۹ مجمع عمومی سازمان ملل طی قطعنامه ۷۴/۲۴۷ (۲۰ ژانویه ۲۰۲۰) خود، تصمیم به ایجاد یک کمیته بین‌دولتی موقت از کارشناسان، نماینده همه مناطق، برای تدوین کنوانسیون جامع بین‌المللی در مورد «مقابله با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای مقاصد مجرمانه» گرفت.

مجمع عمومی در ۲۶ مه ۲۰۲۱ قطعنامه ۷۵/۲۸۲ (۱ ژوئن ۲۰۲۱) را با عنوان «مقابله با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای مقاصد مجرمانه» به تصویب رساند.

۳-۲- اقدامات شورای امنیت سازمان ملل متحد

از آنجایی که وظیفه حفظ صلح و امنیت بین‌الملل بر عهده شورای امنیت سازمان ملل می‌باشد، کمک به درک بهتر خطرات فزاینده ناشی از فعالیت‌های مخرب در فضای سایبری و تاثیر آن‌ها بر صلح و امنیت بین‌المللی یک موضوع جدید و وضعیت پیچیده‌ای دارد که مشابه دیگر موضوعات امنیتی بین‌المللی نیست و مثل همیشه، آوردن موضوع جدید در شورای امنیت دشوار است.

قطعنامه‌های ۱۲۶۷ (۱۹۹۹) و ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) شورای امنیت چارچوبی را برای رژیم گسترده تر ضد تروریسم شورا فراهم می‌کند که از آن زمان از طریق یک سری قطعنامه‌های بعدی اصلاح شده است، برخی از آن‌ها به صراحت به استفاده تروریستی از فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌پردازند که در ذیل به برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

شورای امنیت سازمان ملل نیز در قطعنامه‌های ۲۱۷۰ (۲۰۱۴) و ۲۲۵۳ (۲۰۱۵) هرگونه ارائه خدمات اینترنتی برای استفاده و حمایت از داعش و القاعده را مورد هدف مقررات تحریمی داده و مصرانه از کشورها درخواست کرده تا از استخدام نیرو برای تروریست‌ها از طریق اینترنت جلوگیری و با اقدامات تحریک آمیز و تبلیغات افراط گرای خشنوت آمیز این گروه‌ها در اینترنت و رسانه‌های گروهی مقابله نمایند.

در قطعنامه ۲۳۷۰ (۲۰۱۷) شورای امنیت کشورهای عضو را ترغیب می‌کند تا با همکاری و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، مطابق با تعهدات تحت قوانین بین‌المللی، با یکدیگر همکاری نمایند تا از دستیابی تروریست‌ها به اسلحه، از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات، جلوگیری کنند.

در قطعنامه ۲۳۹۶ (۲۰۱۷) با ذکر نگرانی از این که تروریست‌ها و گروه‌های تروریستی همچنان از اینترنت برای اهداف تروریستی استفاده می‌کنند بر لزوم فعالیت کشورهای عضو در هنگام انجام اقدامات ملی برای جلوگیری از سوء استفاده تروریست‌ها از فناوری و ارتباطات برای اقدامات تروریستی تأکید می‌کند.

۴- قطعنامه ۱۳۷۳ و تعهدات دولت‌ها در مقابله با تروریسم

شورای امنیت سازمان ملل متحد در حیطه‌ی اختیاراتش و در پرتو وظیفه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، اکثراً به شکل موردی و گاهی به شیوه‌ی کلی و مطلق و در مقام قانونگذار بین‌المللی و در محدوده‌ی فصل هفتم منشور به بررسی وضعیت‌های آشکار تهدید کننده یا نقض کننده صلح و امنیت بین‌المللی اقدام نموده و سازوکارهایی را جهت مقابله با آن برگزیده است. تروریسم از جمله اشکال عینی تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی بوده که جامعه بین‌المللی تا قبل از حوادث ۱۱ سپتامبر قادر نبود راهبردی هماهنگ و کارا را جهت برخورد قاطع با آن در اتخاذ نماید (Mirbad et al., 2019).

در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱، شورای امنیت سازمان ملل متحد بدون اینکه موقعیت ویژه‌ای را مد نظر قرار دهد، قطعنامه ۱۳۷۳ را در جهت مقابله‌ای مصمم با تروریسم و ایجاد اهداف فوق، صادر نمود. قطعنامه فوق، تعهدات یگانه‌ای را برای همه‌ی ۱۹۱ کشور عضو ملل متحد به وجود می‌آورد، تعهداتی بالاتر از آن چه که در کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های ضد تروریستی یافت می‌شود و صرفاً تعداد کمی از دولت‌ها عضو آن‌ها هستند (Stromseth, 2003).

از مجموع مفاد این قطعنامه چهار تکلیف مشترک که جانمایه همه‌ی کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی مربوط به تروریسم می‌باشد و کشورها تاکنون بر سر آن سازش نداشتند، منتج می‌شود. تعهد دولت‌ها به همکاری و معاضدت با یکدیگر برای سرکوب تروریسم، مبارزه با تأمین مالی تروریسم، عدم پشتیبانی مستقیم و باواسطه از تروریسم و جرم‌انگاری و تعقیب کیفری تروریسم. نیز الزام دولت‌ها در ملحق شدن به کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد تروریسم و همچنین الزام آن‌ها به دادن گزارش به شورای امنیت در جهت اهداف کلی مبارزه با تروریسم به شمار می‌آید (Abdollahi, 2002).

کندرلی علاوه بر این بر این باور است چنانچه از نقطه نظر کلی برای این قطعنامه حوزه صلاحیتی کلی در نظر بگیریم، در حقیقت به روند خلع ید خزننده از دولت‌ها در حیطه‌های که صرفاً در صلاحیت دولت‌هاست، یاری نموده و سبب استحکام دیدگاه تبدیل شدن شورای امنیت به یک قانون‌گذار بین‌المللی شده‌ایم (Guillaume, 1989).

۴-۱- جرم‌انگاری و تعقیب کیفری تروریسم

جرائم و اعمال مغایر نظم عمومی از ابتدای تشکیل زندگی جمعی در دنیا، انجام می‌شده‌اند و با دگرگونی جوامع به صورت مرتب تغییر شکل و صورت می‌داده‌اند. هیچ دوره‌ای نبوده که اجتماع بشری از جرم خالی باشد. نقض قواعد اجتماعی، یکی از همراهان زندگی جمعی است. نباید پنداشت که زمانی جامعه بشری به جایی می‌رسد که دیگر در آن جرم وجود نداشته باشد، زیرا که این امر ممکن نیست، چرا که قواعد اجتماعی، قراردادی بوده و قواعد قراردادی هم تأیید یقینی جامعه را به همراه ندارند (Azmayesh, 2001).

قاضی گیوم^۱ بر این باور است: «اقدامات تروریستی در تمام کشورها باید جرم انگاشته شود. در این خصوص باید آیین‌های دادرسی کیفری را بازبینی و ویرایش نمود. باید صلاحیت سرزمینی محاکم حتی هنگامی که حملات تروریستی به دست غیراتباع و خارج از موطن آن‌ها اجرا شده با آسان‌تری به رسمیت شناخته شود. در نهایت باید تروریست‌ها بازداشت، محاکمه و مجازات و در غیر این صورت مسترد شوند» (Guillaume, 1989).

¹ Guillaume

کاسسه هم در این خصوص تأکید می‌کند: «به باور من با اطمینان می‌توان گفت که از این گذشته حداقل تروریسم فراملی، تروریسم مورد حمایت دولت یا تروریسمی که دولت بر آن چشم می‌پوشد، جنایتی بین‌المللی هم اکنون به سبب حقوق بین‌الملل عرفی به مثابه نوع جدایی از این نوع جرائم تلقی و ممنوع شده است» (Cassese, 2019).

اندیشه جرم‌انگاری تروریسم پیش از دهه هفتاد و زمان تشکیل جامعه ملل شروع شد. در کنفرانس سوم به هدف یکسان‌سازی حقوق جزا (بروکسل ۳۰۲۶ ژوئن ۱۹۳۰) تروریسم به مثابه یک جرم بین‌المللی مجزا ذکر شد. قبل از آن تروریسم به مثابه یکی از جنایات جنگی در کنفرانس صلح ۱۹۱۹ معرفی شده بود. در کنفرانس مذکور متنی در خصوص تروریسم تهیه شد که بررسی آن به کنفرانس چهارم واگذار شد. بر طبق ماده ۱ این متن، تروریسم به عنوان یک جرم به شرح ذیل تعریف شد:

«هرکس به هدف ارباب و هراساندن افراد از بمب، مین، ابزار آتش‌زا، منفجره، سلاح گرم یا سایر وسایل تخریب‌کننده و مهلک، علیه اشخاص یا اموال استفاده نماید و یا به ایجاد یا شیوع بیماری‌های مسری انسانی، حیوانی یا سایر امراض اقدام نماید یا در پی ایجاد و شیوع آن باشد و همچنین مرتکب هر نوع سعی در راستای اخلال در خدمات دولتی یا عام‌المنفعه شود... به عنوان مرتکب جرم تروریسم شناخته می‌شود». بدون تردید امروزه دیگر اقداماتی نظیر به خطر انداختن امنیت هوایی و هوانوردی، تضعیف امنیت دریایی و دریانوردی، بمب‌گذاری، گروگان‌گیری، آدم‌کشی‌های سیاسی و تأمین مالی تروریسم از جمله اعمالی به شمار می‌روند که اسناد بین‌المللی و به ویژه کنوانسیون‌های ضدتروریسم از دولت‌ها می‌خواهد این اعمال را در حقوق داخلی خود به مثابه مصادیق تروریسم جرم‌انگاری کنند که در خاتمه چنین تکلیفی در چارچوب قطعنامه ۱۳۷۳ به تمام کشورهای جهان بار شده است.

پس از وقوع این رویداد وحشتناک، در بین صاحب نظران بارز بین‌المللی این دیدگاه شکل گرفت که عملیات مذکور تمام مشخصات جرائم در حق بشریت را در خود نمایان کرده. بزرگی و شدت زیاد حمله و همچنین این واقعیت که غیرنظامیان هدف آن بوده‌اند، اهانتی نسبت به تمام انسان‌ها بوده و قسمتی از یک عملکرد وسیع یا سازمان یافته بوده است. به همین دلیل ضروری بود به مثابه اولین قدم برای جلوگیری از وقوع چنین رخدادی در آینده، شورای امنیت اقدامات تروریستی را بار دیگر به عنوان اقداماتی مجرمانه مورد تأکید قرار داده و جرم‌انگاری آن در قوانین داخلی را که تا قبل از آن در حیطه قراردادی میان دولت‌ها گرفتار مانده بود، به مثابه تعهدی سازمانی بر همه‌ی دولت‌های جهان تکلیف و تحمیل کند.

۴-۲- الزام دولت‌ها به همکاری و معاضدت با یکدیگر

در جامعه بین‌المللی هر عملی در هر زمینه‌ای بدون یاری و همکاری دولت‌ها با یکدیگر غیرممکن می‌باشد. ایجاد سازمان‌های بین‌المللی و منعقد کردن کنوانسیون‌ها و موافقتنامه‌ها، زمینه‌ای خوب برای توسعه همکاری میان دولت‌ها محسوب می‌شود. منشور ملل متحد یکی از طروق دستیابی به صلحی پایدار را، همکاری بین‌المللی میان دولت‌ها در حل موضوعات بین‌المللی پنداشته، که این قضیه در اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل در خصوص روابط دوستانه میان دولت‌ها هم مورد تأکید قرار گرفته است (Much, 2006).

شورای امنیت تا قبل از صدور قطعنامه ۱۳۷۳ همواره در چارچوب قطعنامه‌هایی که علیه تروریسم صادر می‌شد از دولت‌ها درخواست می‌نمود در راستای حل و فصل موضوع‌های حادث شده با یکدیگر همکاری کنند. شورای امنیت در نخستین قطعنامه‌ای که در مورد تروریسم صادر می‌نماید از همه‌ی دولت‌ها درخواست می‌کند، چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی، دولت لیبی را به قبول درخواست‌های مربوط به استرداد دو مظنون بمب‌گذاری در هواپیمای پان امریکن، تشویق نمایند. در هر حالت، نفس صدور هر نوع قطعنامه‌ای از جانب مجمع عمومی

و شورای امنیت و هر نهاد بین‌المللی دیگر در واقع گونه‌ای همکاری مؤثر و نهادین بین دولت‌ها در گستره یک سازمان بین‌المللی محسوب می‌شود. حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا سبب شد تا دولت‌ها اهمیت زیاد همبستگی جهانی را درک نمایند. گروسیوس^۱ بیان می‌دارد: «هیچ ملت قوی‌ای را یافت نمی‌شود که به یاری سایرین نیاز نداشته باشد».

با بررسی کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد تروریسم و همچنین اسناد مربوط به سازمان ملل متحد، پی می‌بریم که یکی از وظایف بارز دولت‌ها در مبارزه با تروریسم بین‌المللی، «همکاری و معاضدت آن‌ها با یکدیگر» در همه‌ی زمینه‌های اطلاعاتی، قضائی، مالی، اداری، اقتصادی و خدماتی می‌باشد. تأکید بر اجبار دولت‌ها به معاضدت با یکدیگر از دیباچه قطعنامه آغاز می‌گردد. شورای امنیت در بخشی از دیباچه خود بیان نموده است دولت‌ها ملزم هستند در قلمرو خود و با هر ابزار قانونی، در به خرج دادن سازوکارهای تکمیلی در زمینه پیشگیری و اضمحلال اقدامات و عملیات تروریستی و تأمین مالی و تسهیل آن با یکدیگر همکاری نمایند.

۳-۴- مقابله با تأمین مالی تروریسم

با هدف مبارزه با تأمین مالی تروریسم که یکی از بنیادی‌ترین نهادهای مبارزه با تروریسم محسوب می‌شود، سازوکارها و قواعد بین‌المللی معین و متفاوتی در مقابل دولت‌ها قرار دارد. از کنوانسیون‌های بین‌المللی گرفته تا قطعنامه‌های مجمع عمومی و شورای امنیت و توصیه‌های متنوع مؤسسات بین‌المللی مالی و تصمیمات نهادهای منطقه‌ای. «در عین حال که در این هنجارهای بین‌المللی مقررات مشترکی هم وجود دارد، لیکن گستره شمول و قدرت الزام‌آور هر یک با دیگری فرق می‌کند. اجرای بعضی از آن‌ها متضمن قانونگذاری می‌باشد لیکن در دیگر موارد چنین الزامی وجود ندارد و از طرق دیگر می‌توان آن‌ها را به اجرا گذاشت» (Tayebi Fard, 2005).

از معدود مواردی که جامعه بین‌المللی، از همان روزهای اول بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر بر سر آن توافق نظر داشت، این بود که جنگ علیه تروریسم مگر با ردیابی و یافتن منشا تأمین مالی گروه‌های تروریستی و ممانعت از کمک‌رسانی مالی منابع زیرزمینی به عملیات تروریستی نتیجه‌بخش نمی‌باشد (Zarneshan, 2007; Zeidan, 2003).

وسعت ابعاد حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر و اندازه امکانات و منابع تخصیص یافته جهت انجام آن حاکی از آن است که تا چه میزان دغدغه از تأمین و تقویت مالی گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی بجا و قابل درک است. قطعنامه ۱۳۷۳ که در پی وقوع این حوادث صادر گردید از بین بردن منشا تأمین مالی تروریسم را به مثابه طریق اصلی مبارزه با تروریسم بین‌المللی در کانون در دیباچه این قطعنامه، شورای امنیت «بر لزوم تقویت و افزایش توجه خود قرار داده است. همکاری‌های بین‌المللی دولت‌ها برای مسدود نمودن و از میان بردن منابع مالی و دیگر امکانات ارتکاب فعالیت‌های تروریستی» تأکید نموده است.

شورای امنیت در قطعنامه فوق و بر طبق فصل هفتم منشور اعلام می‌دارد که همه‌ی دولت‌ها باید:

- ۱- از تأمین مالی اعمال تروریستی جلوگیری و آن را متوقف نمایند؛
- ۲- ارائه یا جمع‌آوری داوطلبانه کمک‌های مالی را از هر راه، مستقیم و غیرمستقیم به وسیله اتباع خود یا در قلمرو خود، به هدف استفاده در راستای اعمال تروریستی، عملی مجرمانه در نظر بگیرند؛
- ۳- بدون تأخیر، منابع مالی و اقتصادی و دیگر دارایی‌های افرادی را که مرتکب اعمال تروریستی می‌شوند یا پی ارتکاب آن هستند یا در ارتکاب اعمال تروریستی مشارکت یا آن را می‌کنند، مسدود کنند.

¹ Grotius

۴- منابع مالی یا امکانات اقتصادی و سایر دارایی‌ها را که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به این اشخاص تعلق دارد یا در اختیار آنان است، سریعاً مسدود نماید و ...

با بررسی و مقایسه محتوا این قطعنامه و مقررات کنوانسیون سرکوب تأمین مالی تروریسم، به درستی شاهد شباهت و یکسانی آن‌ها در خصوص مقابله با تأمین مالی تروریسم خواهیم بود، لیکن یک تفاوت بنیادین هم وجود دارد و آن اینکه مقررات کنوانسیون صرفاً محدود به دولت‌های عضو آن می‌شود، حال آن که تعهدات ناشی از قطعنامه ۱۳۷۳ جهانی است، هر چند دولت‌ها موظف شده‌اند هر چه سریع‌تر به کنوانسیون بین‌المللی مربوط به مبارزه و سرکوب تأمین مالی تروریسم مصوب ۹ دسامبر ۱۹۹۹ ملحق شوند.

۴-۴-۴- عدم پشتیبانی مستقیم و غیرمستقیم از تروریسم

در حقوق بین‌الملل، دولت‌ها متعهد هستند از عملیات تروریستی حمایت و پشتیبانی نکنند. تعهد مذکور از زمان تشکیل سازمان ملل متحد و صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر وجود داشته است. اقداماتی همچون قتل، ایجاد رعب و وحشت برای غیرنظامیان و یا سازماندهی اقدامات فوق، همیشه به مثابه نقض فاحش حقوق بشر و حقوق بشردوستانه محکوم و همه اسناد بین‌المللی اعم از اسناد سازمان ملل متحد و دیگر کنوانسیون‌های بین‌المللی حداقل بر این موضوع توافق داشته‌اند که دولت‌ها بایستی از سازماندهی، تحریک یا مشارکت در اقدامات تروریستی خودداری ورزند.

منشور ملل متحد هر چند به صورت صریح از تروریسم نام نبرده است، لیکن ماده ۲ (بند ۴) به شکل بلاواسطه حمایت دولت از تروریسم را ممنوع کرده است. منشور در این ماده بیان داشته است: «همه اعضا در روابط بین‌المللی خود باید از توسل به زور یا تهدید علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دیگر دولت‌ها یا از شیوه‌های دیگری که با اهداف ملل متحد مغایرات داشته باشد، ممانعت ورزند».

مجمع عمومی در سال ۱۹۷۰ اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل در خصوص روابط دوستانه و معاضدت بین دول را در تکمیل ممنوعیت تلویحی منشور در خصوص حمایت از تروریسم بین‌المللی صادر کرد که به صورت مقرر می‌دارد: «تمام دولت‌ها موظفند از سازماندهی، ایجاد و تحریک و تشویق منازعات داخلی یا اقدامات تروریستی و فعالیت‌های مسلحانه در قلمرو خود یا سایر کشورها ممانعت ورزند و از هر نوع کمک و حمایت مادی و معنوی به این نوع امور ممانعت نمایند» (Hugo, 1867).

البته دولت‌ها همیشه تلاش می‌کنند به نوعی عمل نمایند که برچسب تروریستی بودن بر آن‌ها نخورد، به همین دلیل کمتر دولتی خود به صورت مستقیم در سازماندهی و طراحی اقدامات تروریستی مشارکت می‌کنند و اغلب از راه ترغیب، تحریک و یا کمک‌های باواسطه از آن حمایت می‌کند (Sossai, 2001).

حمایت‌ها اغلب برای همدلی و همفکری با گروه‌های ظلم دیده انجام نمی‌شود، بلکه در بیشتر موارد، دولت‌ها بر اساس منافع ملی و دیدگاه خود به این اعمال دست می‌زنند. لذا هر نوع حمایت دولت‌ها از فعالیت‌های تروریستی چه به شکل عملی باشد و چه به شکل اهمال و چشم پوشی... ممنوع بوده و زمینه‌های مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را فراهم می‌نماید. مواد ۸ و ۱۱ پیش نویس طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد مسئولیت دولت‌ها را به این قضیه اختصاص داده است.

دیوان بین‌المللی دادگستری در موضوع فعالیت‌های نظامی و شبه نظامی علیه نیکاراگوئه قضیه حمایت و پشتیبانی دولت از عملیات تروریستی را مورد عنایت قرار داد. دیوان در این امر نیکاراگوئه مسئول حکم نمود که ایالات متحده در برابر فعالیت‌های کنتراهای مسئول نمی‌باشد،

¹ contra

بدین دلیل که دلایلی که کنتراها را تحت کنترل و وابسته به ایالات متحده قرار دهد، کافی نبوده‌اند در آن هنگام دولت ایالات متحده تحت رهبری ریگان برای سرنگونی حکومت کمونیستی حاکم بر نیکاراگوئه اقدام به سازماندهی، آموزش، تسلیح و تأمین مالی کنتراها می‌نمود که خیلی از آنها شامل گارد ملی دیکتاتور سابق نیکاراگوئه، آناستاسیو سوموزا بودند. این‌ها بارها مرتکب قتل، تجاوز و ترور شهروندان نیکاراگوئه گردیدند. ایالات متحده سالها به حمایت از آنان ادامه می‌داد.

دیوان بین‌المللی دادگستری در این قضیه بیان کرد که حمایت ایالات متحده از کنتراها باعث نقض حاکمیت سرزمینی نیکاراگوئه شده که این نقض حقوق بین‌الملل است، اما به هدف انتساب فعالیت‌های کنتراها به ایالات متحده، دیوان به دلایلی نیاز دارد که ثابت نماید در هر مورد عملکرد کنتراها منعکس کننده استراتژی دولت امریکا بوده و به صورت مستقیم به وسیله آن طراحی شده است.

نتیجه‌گیری

تروریسم سایبری و سوء استفاده تروریست‌ها از فضای سایبر از جمله معضلات امروز بشری است. تروریسم سایبری، جرمی است که دارای تبعات و نتایج فراملی بوده و تروریست‌ها می‌توانند در هر جای جهان که باشند اهداف خود را در دیگر نقاط جغرافیایی جهان پیگیری نمایند. امروزه تروریست‌ها می‌توانند با شکستن رمزهای اینترنتی و دست یافتن غیر مجاز به داده‌های محرمانه، حملات سایبری را علیه دولت‌ها با اهداف مغرضانه طراحی کنند. بنابراین مبارزه با آن به شکل جدی مورد عنایت جامعه بین‌المللی قرار گرفته است. وجود هشدارهای ژنی در پی در خصوص خطرات ناشی از تروریسم سایبری، اجرای تحقیقات حقوقی سازمان یافته بین‌المللی را به هدف درک چالش‌های امنیتی و بین‌المللی مرتبط با آن را می‌خواهد. موضوعی که می‌تواند با توسعه خود و استفاده از سلاح‌های پیشرفته سایبری اصول بنیادین حقوق بین‌الملل را در مورد توسل به زور و نبردهای مسلحانه را تحت تاثیر قرار دهد. این در صورتی است که از یک طرف توافق جهانی در زمینه تعریف یا تحلیل تروریسم سایبری وجود ندارد و از سوی دیگر الان هم نظام حقوقی بین‌المللی لازم‌الاجرای جامعی در مود مقابله با این جرم در سطح جهانی تصویب نشده است. همچنان که نمی‌توان منکر تاثیر قطعنامه‌های مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل متحد در این خصوص شد. هر چند گروه اول شامل قواعد حقوقی نرم دسته بندی شده و از نظر حقوقی لازم‌الاجرا نیستند و دسته دوم هم هیچ یک به صورت صریح و به شکل ویژه تروریسم سایبری را مورد توجه قرار نداده‌اند

جهت پیشگیری و مبارزه با تروریسم سایبری، لزوم توسعه همکاری‌های بین‌المللی امروزه امری قطعی می‌باشد. در فضای سنتی و با رواج تروریسم بین‌المللی، تقریباً اکثر کشورها قبول کرده‌اند که مبارزه با تروریسم مگر با معاضدت‌های بین‌المللی امکان پذیر نیست. این امر در خصوص تروریسم سایبری بارزتر است و به سبب اینکه فضای سایبری، مکان وقوع جرم است و این مکان هم بدون مرز و بدون محدودیت است؛ امکان سرزمینی کردن مبارزه با تروریسم سایبری وجود نداشته یا محکوم به ناتوانی و شکست است. مواجهه مؤثر در مقابل فعالیت‌های تروریستی سایبری دربردارنده هماهنگ سازی حقوق کیفری ماهوی و شکلی کشورها، بالا بردن همکاری‌های بین‌المللی و فعالیت‌های پیشگیرانه همچون حفاظت از زیرساخت‌ها و تأمین امنیت فضای سایبر دارد.

فعالیت سازمان ملل متحد در خصوص امنیت سایبری بسیار پراکنده بوده، همکاری بین‌المللی در این خصوص از همکاری در وضع قواعد ضد تروریستی آغاز و به همکاری در اجرای قوانین و تلاش برای هماهنگی اقدامات ملی با تعهدات بین‌المللی پایان می‌بخشد. مقنن در حوزه قانون‌گذاری ملی هم باید عدم نقض حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین را همگام با تروریسم سایبری تضمین کند. اینترنت به مثابه بستر تازه‌ای

برای ابزار حقوق اساسی بشر می‌باشد. شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد تاکید نمود که همان حقوقی که افراد به صورت آفلاین دارند باید از راه اینترنت هم محافظت شوند، به این ترتیب اعلامیه‌های حقوق بشر، در اینترنت قابل اجراست.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

Cyber terrorism represents a critical challenge in the modern international landscape, requiring a comprehensive and coordinated global response. The United Nations (UN) has prioritized this issue, recognizing cyber terrorism as a significant threat to peace, security, and fundamental human rights. This abstract explores the UN's multi-faceted approach to combating cyber terrorism, focusing on legal, institutional, and strategic frameworks designed to address the complexity of these threats.

Cyber terrorism, defined as the intentional misuse of computer systems or networks to advance terroristic objectives, merges traditional terrorism with the vast capabilities of cyberspace. The impact of cyber terrorism is profound, targeting critical infrastructure, such as energy, transportation, and communication systems, and disrupting societal norms on a global scale (Rosand, 2003). The integration of cyber capabilities by terrorist organizations has escalated the potential for harm, necessitating robust countermeasures.

The UN has employed a variety of mechanisms to mitigate cyber terrorism, ranging from binding Security Council resolutions to non-binding General Assembly declarations. Resolutions like 1373 and 2396 exemplify efforts to standardize anti-terrorism measures and mandate member state compliance in areas such as the prevention of terrorist financing and the enhancement of information-sharing protocols (UNODC, 2012). These initiatives underscore the UN's commitment to fostering an inclusive international strategy that ensures all member states participate in collective security efforts.

International conventions, such as the Budapest Convention on Cybercrime, aim to harmonize national laws, facilitate investigative cooperation, and promote capacity-building among nations (Charvat, 2009). Although not explicitly a UN initiative, such conventions align closely with UN objectives, as illustrated by Security Council directives urging member states to accede to and implement these treaties. Furthermore, conventions like the International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism establish robust financial oversight measures to disrupt the economic lifelines of terror networks (Study Group on Cybersecurity Terrorism, 2014).

Despite these advancements, the international community faces significant hurdles in combating cyber terrorism. The borderless nature of cyberspace complicates jurisdictional authority and enforcement mechanisms, often leaving crimes unpunished due to a lack of clear attribution or consensus on definitions. Moreover, technological asymmetries among nations hinder the universal application of anti-terrorism frameworks, creating vulnerabilities that terrorists exploit (Harrison Dinniss, 2015). The UN's emphasis on multilateral cooperation seeks to bridge these gaps, leveraging collective expertise and resources.

The UN emphasizes the need to balance security measures with the preservation of fundamental human rights. As recognized in the Universal Declaration of Human Rights, the right to freedom of

expression and access to information must be safeguarded even in the digital age. Efforts to combat cyber terrorism should align with these principles, ensuring that counterterrorism initiatives do not infringe upon individual liberties or result in disproportionate state surveillance.

To enhance the efficacy of its counterterrorism measures, the UN advocates for increased capacity-building, public-private partnerships, and advancements in international law. The role of technology providers in preventing the misuse of cyberspace is paramount, as is the need for continuous dialogue among member states to adapt strategies to evolving threats (Hugo, 1867). Cybersecurity resilience depends not only on technical solutions but also on fostering a global culture of accountability and cooperation.

Cyber terrorism represents a complex and evolving threat that challenges traditional notions of sovereignty, security, and governance. The UN's proactive approach, characterized by binding resolutions, international conventions, and collaborative frameworks, reflects its dedication to mitigating this global menace. However, sustained progress will require addressing persistent challenges, such as jurisdictional ambiguity and technological disparities, while ensuring adherence to human rights standards. By advancing comprehensive strategies and fostering multilateral engagement, the UN continues to lead the global fight against cyber terrorism.

References

- Abdollahi, M. (2002). The Consequences of the 9/11 Attacks on Combating Terrorism. *Legal Information Journal*, 1(1).
- Askari, P., & Vakil, A. S. (2021). *The Third Generation of Human Rights: "Solidarity Rights"*. Majd.
- Azmayesh, A. (2001). A New Perspective on the Concept of International Terrorism. *Journal of Legal and Political Research*, 3(4).
- Cassese, A. (2019). *The Terrorist Attack on the World Trade Center and the Disruption of Key Concepts in International Law* (Z. Kasemati, Ed.). Dadgostar. <http://www.ejil.org/pdfs/12/5/1558.pdf>
- Charvat, J. M. (2009). *Cyber Terrorism: A New Dimension in Battlespace*. NATO Cooperative Cyber Defense Centre of Excellence. <https://www.ccdcoe.org/publication-library.html>
- Farmani, M. (2011). *The Rights and Obligations of States in Combating Terrorism under International Regulations and Its Impacts on the Islamic Republic of Iran* [Payame Noor University]. Tehran.
- Ghasemi, G. A., & Bagherzadeh, S. (2015). The Role of Human Rights in Combating Cyberterrorism. *International Law Journal*(52), 227-254.
- Guillaume, G. (1989). Terrorisme et Droit International. *RCADI*, 215(III).
- Harrison Dinniss, H. (2015). *Cyber Warfare and the Laws of War*. Gorouhe Tadvin va Tarjomeh Sazman Padafand Gheire Amel.
- Hugo, G. (1867). *De Jure Belliac Pacis* (P. Pradier-Fodere, Ed. Vol. 1). Paris.
- Mirbad, L., Salimi, S., Niavarani, S., & Zamani, G. (2019). Cyberterrorism: A Violation of Human Rights and Fundamental Freedoms. *Medical Law Quarterly*, 13, 223-240.
- Much, C. (2006). The International Criminal Court (ICC) and Terrorism as an International Crime. *Mich. St. J. Int'l L*(14).
- Rezaeinejad, I. (2008). A Reflection on the Concept of the Right to Development. *Private and Criminal Law Research*, 4(3).
- Sossai, M. (2001). SC/Res. 1373 (2001) and International Law-Making: A Transformation in the Nature of the Legal Obligations for the Fight against Terrorism? *The American Journal of International Law*, 97, 1.
- Stromseth, J. E. (2003). An Imperial Security Council? Implementing Security Council Resolution 1373 and 1390. *ASIL Proceedings*.
- Study Group on Cybersecurity Terrorism. (2014). *Overview of International Legal Issues and Cyber Terrorism*. International Law Association. <http://www.ila-hq.org/download.cfm/docid>
- Tayebi Fard, A. (2005). Combating Terrorism Financing in International Documents. *Journal of Legal Affairs*(32).
- UNODC. (2012). *The Use of the Internet for Terrorist Purposes* (F. United Nations Counterterrorism Implementation Task, Ed.). United Nations Office.
- Zarneshan, S. (2007). The Security Council and State Obligations to Combat Terrorism. *Legal Journal*(36), 57-94.
- Zeidan, S. (2003). Desperately Seeking Definition: The International Community's Quest for Identifying the Specter of Terrorism. *Cornell International Law Journal*, 36, 494-495.

